خالی از شوخی

مسعود ناصری
massoudnassei@comcast.net

۱۵ ملوان در اروندرود

قضیه دستگیری ۱۵ تفنگدار انگلیسی در آب‌های «اروند رود» (شط العرب) توسط نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران خوراک خوشمزه مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های ایرانی و غربی شده است.

اول که خبر را خواندم از خودم پرسیدم نیروی «دریایی» ایران در «رودخانه» اروندرود چه کار می‌کند؟ یعنی این قدر استانداردها در ایران پایین آمده که به جای گرفتن مثلا ۱۵۰ نفر آمریکایی در خلیج فارس باید دل‌مان را به دستگیری ۱۵ انگلیسی در یک رودخانه ناقابل خوش کنیم؟

تونی بلر که می‌گویند خودش آخوند انگلیسی است و از سوی آخوندهای انگلیسی ایران سر کار گذاشته شده در مصاحبه‌ای گفت که ملوان‌های بلر روبه‌رو نشده است. او گفت: فایده این شیر یا خط چیست؟ شیر بیاید آن‌ها اعدام می‌شوند، خط بیاید آن‌ها را به گروگان خواهند گرفت. بحث بر سر تجاوز ملوانان انگلیسی به حریم آب‌های ایران و این که آن‌ها در این سوی آب‌ها بوده‌اند و یا آن سوی آب‌ها همچنان ادامه دارد و شکرآب شدن روابط ایران و انگلیس مورد سئوال و تردید قرار گرفته است. شاید راه‌حلی که هاشمی رفسنجانی ارایه داده بهترین حربه برای حل این مشکل سیاسی است. او گفته: اگر دارایی‌های ما را در آمریکا آزاد کنند ما ترتیبی می‌دهیم که همه بگویند این ملوانان داشتند غرق می‌شدند و نیروی دریایی ما آن‌ها را بیرون کشیده و از خطر مرگ نجات داده است.

این کشتی در خاک (یعنی آب‌های دریایی) عراق بوده‌اند و نه در آب‌های ایران. بعد از این که او اعتراف کرد اصول علم تقیه را از ملایان ایرانی آموخته کوتاه آمد و گفت که قطب‌نمای کشتی انگلیسی ساخت شرکت توپولوف روسیه بوده و او احتمال اشتباه را رد نمی‌کند.

جورج بوش در دفاع از عملیات ملوانان انگلیسی گفت: «چون اسم رودخانه شط‌العرب است، سربازان اتوماتیک‌وار باور کرده‌اند که در خاک یک کشور عربی هستند و نه ایرانی».

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بعد از بستن شیشکی و فرستادن بیلاخ ادعای تونی بلر و جورج بوش را در مورد این که این عملیات در اثر یک اشتباه کوچک بوده رد کرد و گفت اگر تقیه این‌ها براساس اشتباه اسم است پس چرا دریای عمان در خاک اردن هاشمی نیست؟

شایع شده که دستور دستگیری سربازان انگلیسی از سوی هاشمی رفسنجانی صادر شده است. می‌گویند طی مکالمه تلفنی بین کاخ جماران و موبایل هاشمی که از او در مورد قیمت این ملوانان سئوال شده بود او جواب داده: بستگی دارد که این‌ها یک ماهیگیر ساده هستند یا ماموران انگلیسی؟ اگر ملوان باشند هرکدام را به دو سه میلیون یورو می‌توان به اروپایی‌ها فروخت ولی اگر جاسوس باشند قیمت آن‌ها خداتومان است!

اصلاح‌طلبان ایران در مصاحبه‌های خود با رسانه‌های غربی و ایرانی امیدواری خود را برای حل و فصل صلح‌جویانه این اتفاق ابراز کرده‌اند. آن‌ها گفته‌اند اگر هنوز کوفی عنان بر سر کار بود قضاوت او در مورد این که کشتی انگلیسی در آب‌ها ایران بوده و یا عراق به این جا می‌رسید که بمانند مسابقات فوتبال این کشتی نه این ور بوده و نه آن ور بلکه داشته آب می‌خورده!

بعضی از نیروهای ملی ـ مذهبی در ایران پیشنهاد کرده‌اند که برای تعیین موقعیت این کشتی و این که در خاک ایران بود و یا در خاک عراق باید شیر یا خط انداخت.

این پیشنهاد با استقبال چندانی از سوی تونی بلر روبه‌رو نشده است. او گفت: فایده این شیر یا خط چیست؟ شیر بیاید آن‌ها اعدام می‌شوند، خط بیاید آن‌ها را به گروگان خواهند گرفت. بحث بر سر تجاوز ملوانان انگلیسی به حریم آب‌های ایران و این که آن‌ها در این سوی آب‌ها بوده‌اند و یا آن سوی آب‌ها همچنان ادامه دارد و شکرآب شدن روابط ایران و انگلیس مورد سئوال و تردید قرار گرفته است. شاید راه‌حلی که هاشمی رفسنجانی ارایه داده بهترین حربه برای حل این مشکل سیاسی است. او گفته: اگر دارایی‌های ما را در آمریکا آزاد کنند ما ترتیبی می‌دهیم که همه بگویند این ملوانان داشتند غرق می‌شدند و نیروی دریایی ما آن‌ها را بیرون کشیده و از خطر مرگ نجات داده است.

ماهی قرمز سفره هفت‌سین

به استقبال سیزده‌بدر

نوروز امسال هم آمد و رفت و باز هم مثل هر سال یک مشکل بزرگ برای من باقی ماند. درست حدس زدید. مشکل ماهی‌های قرمز توی تنگ سفره هفت‌سین! مثل هر سال نمی‌دانم بعد از تحویل سال با این ماهی‌ها چکار کنم. برای خریدنشان چقدر دردسر داشتم. مثل هر سال رفتم فروشگاه «وال مارت» که از شیر مرغ تا جون آدمیزاد می‌فروشد. وقتی دیدم که به جای آکواریوم‌های ماهی، غذای سگ و گربه گذاشته‌اند، آه از نهادم برآمد. از مسئول یا مدیر قسمت حیوانات پرسیدم که چرا مثل هر سال ماهی ندارند؟ جواب داد: به خاطر ایرانیان! بعد توضیح داد که فروش ماهی ۳۹ سنتی (و یا سه تا یک دلار موقع حراج) به ایرانیانی که دو سه ساعت وقت فروشنده را تلف می‌کنند و این ماهی که قرمزتر است را می‌خواهند و یا آن یکی را که چاق‌تر است و آن یکی دیگر را که بال دارد به دردسرش همیشه من به علت ارزان بودن قیمت ماهی‌های

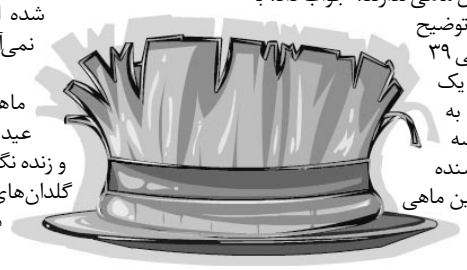

او گفت که مکزیکی‌ها در عرض یکی دو دقیقه حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ دلار خرید می‌کنند و اصلا مزاحم کار فروشنده نمی‌شوند. البته نگفت چون مکزیکی‌ها انگلیسی‌شان به خوبی ایرانیان نیست نمی‌توانند مانند آن‌ها چانه بزنند و وقت فروشنده را بگیرند. به توصیه یکی از رفقایم رفتم به یک سوپرمارکت بزرگ که فقط مخصوص حیوانات و پرندگان بود. آن‌ها به غیر از فروش انواع پرنده و خرگوش و سگ و گربه و غذا و دسر آن‌ها ماهی هم می‌فروختند.

در آنجا، سر راه قسمت آکواریوم ماهی‌ها، قفس پرنده‌ها هم بود. از روی کنجکاوی نگاه کردم که قیمت یک مرغ عشق کوچولو چقدر است؟ سرم سوت کشید. قیمت زده بود ۲۶۹ دلار. احتمالا خجالت کشیده بود که بزند ۲۶۹ دلار و ۹۹ سنت که مبادا کسی اعتراض کند که پرنده بدبخت را چرا از طبیعت به زور گرفته و در قفس به افرادی که زندانبانی پرندگان را دوست دارند می‌فروشند. به خودم گفتم؛ چقدر قیمت آزادی بالا رفته! درست مثل شیر و تخم‌مرغ...

موقعی که خواستم پول ماهی‌ها را به صندوقدار مغازه بدهم لبخندی زد و گفت: Happy New Year از حرفش هم خوشحال شدم و هم ناراحت. «خوشحال» چون فهمیدم هجوم ایرانیان دیگر برای خرید ماهی از این فروشگاه یک اثر فرهنگی به جا گذاشته و «ناراحت» چون از این Racial Profiling که تازگی‌ها در آمریکا شروع شده است اصلا خوشم نمی‌آید.

من در نگهداری ماهی‌های قرمز شب عید درست به اندازه سبز و زنده نگه داشتن گیاهان و گلدان‌های خانه‌ام استعداد دارم و همان طور که ممکن است حدس بزنید تمام این گل و گیاه‌ها از طبیعی به مصنوعی و پلاستیکی تبدیل شده‌اند.

قرمز حدود ۲۰ تای آن‌ها را می‌خرم و امیدوارم که تا سیزده بدر دو سه تای آن‌ها دوام بیاورند و جنازه آن‌ها سر از توالت و یا آشغال خردکن برقی آشپزخانه در نیاورند.

زنم هر سال می‌گوید این ماهی‌ها زود می‌میرند چون مرتب به آن‌ها غذا می‌دهی. سال‌های قبل حرفش را قبول نداشتم و با او بحث می‌کردم که وقتی ماهی‌ها کله‌شان را روی سطح آب می‌آورند و دهانشان را مرتب به هم می‌زنند برای این نیست که با من مکالمه داشته باشند بلکه گرسنه هستند. او حتی عقیده دارد که تکه‌های نان بربری برای شکم ماهی کوچک کمی ثقیل است و ممکن است معده آن‌ها را از کار بیاندازد تقصیر من چیست؟ غذای ماهی که در قوطی کوچولو می‌آید و از سوپرمارکت حیوانات خریده‌ام مورد پسند ماهی‌ها نیست و نان بربری را بهتر و زودتر می‌خورند.

بعضی از رفقای من می‌گویند که ماهی‌شان تا ماه‌ها بعد از عید زنده می‌ماند و در آب جست و خیز می‌کند. یکی از رفقای ما حتی ماهی‌اش تا وسط تابستان دقیقا تا روز چهارم جولای، جشن استقلال آمریکا، زنده ماند و رکورد نگه داشتن ماهی شب عید را در میان همه ایرانیان شهرمان شکست. البته خودش می‌گوید بچه‌های همسایه ترقه و نارنجک برای جشن چهار جولای در کردند و احتمالا ماهی از ترس سکته کرده است وگرنه بیشتر زنده می‌ماند. امسال هم تا روز سیزده‌بدر دقیقه شماری می‌کنم تا از شر این ماهی‌ها یک جوری خلاص شوم. وقتی یکی از آن‌ها بدنش باد می‌کند و در کف تنگ بلوری می‌میرد هم با اندوه برایش ذکر می‌خوانم و هم خوشحالم که بودن ماهی کمتر مساوی با این است که آب تنگ آن‌ها را نباید تند و تند عوض کنم.

کاش سازندگان گیاهان پلاستیکی و مصنوعی آپارتمانی یک فکری هم به حال ماهی‌های قرمز نوروز می‌کردند. ماهی‌هایی که مثل درخت پلاستیکی کریسمس هر سال قابل استفاده باشند. فقط به این شرط که موقع تحویل سال ماهی‌های پلاستیکی آن‌ها یک دور در آب بچرخد و چند سانتی‌متری از آب تنگش بیرون بپرد!

سهیلا مَکّی
Soheila R. Makki
رضایت شما، موفقیت مرا دیکته می‌کند
هموطن گرامی، اجازه دهید با نهایت صداقت، پشتکار و حمایت در معاملات خرید و فروش ملکی با شما همکاری کنم. با ۲۸ سال سابقه اقامت در واشنگتن بزرگ و آشنائی با فرهنگ و سلیقه ایرانی می توانم خواسته های ملکی شما را همراه اطلاعات دقیق و صحیح در اختیار شما عزیزان قراردهم.

Sterling/Potomac Falls, VA
Falls Road, Potomac, MD

#1 Full Service Realty
Licensed in VA & MD
Complimentary advice goes a long way!!

Office: 703-433-7708
Cell: 703-862-7692
Fax: 703-430-9268
Email: susanmakki@aol.com

WELLS FARGO HOME MORTGAGE

چنانچه شما در حال خرید و یا تجدید وام خود هستید، از وجود یکی از تأمین کنندگان پیشرو وام در سراسر آمریکا بهره مند مي شويد

با انتخابهاي زيادي از وامهاي موافق با شرايط دولتي (Conforming)، وامهاي بزرگ FHA (Jumbo)، و وامهاي مربوط به خريد اولين ملك

براي دريافت اين خدمات با من تماس بگيريد:
• مشاوره مالي رايگان
• معرفي به مشاورين مجرب املاك در منطقه مسكوني شما
• متخصصين با دقت Rehab، Renovation و Reverse Mortgage در خدمت شما هستند

امير بهنام ايزديار
مشاور وام مسكن
تلفن همراه: 410-900-6470
benizadyar.com • amir.b.izadyar@wellsfargo.com

لطفاً توجه داشته باشيد. تمامي ارتباطات ديگر، مدارك قانوني و اطلاعيه ها (disclosures) به زبان انگليسي در اختيار شما قرار خواهند گرفت. ما به شما پيشنهاد مي كنيم كه در صورت نياز از يك مترجم شخص ثالث مستقل بخواهيد به شما كمك كند. اين اطلاعات در تاريخ چاپ صحيح بوده و بدون اطلاع قبلي قابل تغيير مي باشند.
Please note, all other communications, legal documents and disclosures will be provided to you in English. We recommend that you obtain the services of an independent third party interpreter to assist you as needed.
Wells Fargo Home Mortgage is a division of Wells Fargo Bank, N.A.
©2007Wells Fargo Bank, N.A. All rights reserved. #45799 2/07-5/07
EQUAL HOUSING LENDER

اشتراک هفته نامه «ایرانیان»
نشریه‌ای که می‌پسندید و به آن ارج می‌نهید
Subscribe To IRANIANS Weekly Publication

	One Year (52 Issues)	6 Months (26 Issues)	
USA	$120.00	$65.00	ایالات متحده آمریکا
Canada*	180.00	97.00	کانادا
Europe*	260.00	140.00	کشورهای اروپایی
Iran & Middle East*	250.00	130.00	ایران و خاورمیانه

YES! Please enter a ☐one year, ☐six months subscription to IRANIANS in the following name

Name .....
Address.....
City.....
State.....Zip.....

☐ Payment Enclosed

لطفا فرم بالا را پر کرده همراه چک خود در وجه Iranians به نشانی زیر بفرستید:

Washington Iranians Media, Inc.
P. O. Box 2023
Ashburn, VA 20146

* کلیه وجوه ارسالی از کشورهای اروپایی، خاورمیانه، ایران و کانادا می باید به دلار آمریکایی بوده و به شکل Money Order یا چک یکی از بانک های آمریکایی موجود در ایالات متحده باشد.

در نا امیدی بسی امید است

امشب وقتی که به خانه بر می‌گردم اوقاتم مثل همیشه تلخ است. باز هم مرا از کار اخراج کرده‌اند، زنم دوباره مرا ترک کرده، بچه‌های همسایه دوباره با توپ شیشه اتاق نشیمن را شکسته‌اند، باطری ماشینم مرده، کامپیوترم دوباره ویروس گرفته، توالت طبقه پایین بند آمده، آلرژی‌ام عود کرده و سگم دوباره روی قالی خوشگل ایرانی‌ام شماره یک کرده است. تنها مورد خوشحالی‌ام این است که هوا به شدت ابری و بارانی است و ماهواره ایرانی‌ام قادر به دریافت سیگنال کانال ایرانی واشنگتن نیست.

بخش سینمایی

باز هم درباره فیلم «۳۰۰»

جنجال فیلم «۳۰۰» که درباره شکست لشکر یک میلیونی خشایار شاه از ۳۰۰ پارتیزان یونانی می‌باشد خیلی بالا گرفته است. صدای اعتراض ایرانیان در سرتاسر جهان علیه کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده این فیلم هالیوودی بالا گرفته و حتی به گوش سلمان رشدی هم رسیده است! سازندگان فیلم طی نامه‌ای ضمن تشکر از اعتراض ایرانیان اعلام کرده‌اند تبلیغات خود را به زودی در رادیو تلویزیون‌ها و نشریات قطع خواهند کر تا در این هزینه صرفه‌جویی نمایند.

جمهوری اسلامی که این روزها از ترس حمله نظامی آمریکا به دنبال گسترش احساسات میهن‌پرستی و ناسیونالیستی مدت‌ها سرکوب شده مردم ایران می‌باشد گویا ۴۰۰ نماینده سیاسی و مذهبی به خارج فرستاده تا با ۲۰۰ نشریه و رسانه آمریکایی مصاحبه کنند و انزجار خود را از تحریف تاریخ و خدشه واقعیت به سینماگران هالیوودی ابراز نمایند.

تهیه‌کننده فیلم «۳۰۰» در مصاحبه‌ای در جواب ایرانیانی که می‌پرسند چرا باید ایرانیان را در این فیلم به اشکال زشت و ناهنجار و به صورت انسان‌های نیمه حیوان و زشت نشان دهند نهایت تاسف خود را ابراز کرده و گفت: کارگردان‌های هنری این فیلم با الهام از عکس‌های منتشر شده نمایندگان مجلس ایران برنامه‌های انیمیشن و کامپیوتری خود را طراحی کرده‌اند.

وزارت ارشاد طی اطلاعیه‌ای خبر از ساختن فیلمی می‌دهد که فیلم «۳۰۰» هالیوودی را به چالش می‌طلبد. این فیلم که «۴۴۴» نام دارد درباره گروگان‌گیری ۵۲ تن آمریکایی توسط دو نفر و نیم دانشجوی اسلام‌زده ایرانی می‌باشد.

در شماره آینده درباره فیلم مستندی که از زندگی آنا نیکول اسمیت تهیه شده و نشان می‌دهد که چگونه ۱۲ قرص مسکن و مخدر ۱۲۰ پوند سینه‌های بزرگ این ستاره سکسی را به زیر خاک فرستاد، با شما سخن خواهیم داشت!

نامه یک سگ به صاحبش

واق واق و سلام. می‌دانم که از دیدن این نامه حسابی شوکه شده‌ای. اصلا فکر نمی‌کردی که من سواد خواندن و نوشتن داشته باشم. باید بگویم که خیلی ساده بود. روزها که مرا تنها می‌گذاشتی و از بوق سگ تا تنگ غروب به اداره می‌رفتی من مشغول یاد گرفتن زبان فارسی شدم. همان کتابی را که برای زن آمریکایی اولت خریده‌ای پیدا کردم و هر روز یک صفحه‌اش را یاد گرفتم. حروف الفبا خیلی سخت بود و خیلی مشقت کشیدم. مخصوصا یاد گرفتن زیر و زبر و الف کلاه‌دار. وقتی که ماهواره ایرانی گرفتی کارم راحت‌تر شد. یاد گرفته بودم تلویزیون روشن کنم و روی ماهواره بگذارم. فارسی‌ام خیلی بهتر شد ولی کاش آن فحش‌های رکیک را یاد نگرفته بودم.

روز اولی که ما با هم ملاقات کردیم را به خوبی به خاطر دارم. سال ۱۳۵۷ بود. روز دقیقش را یادم نمیاد ولی فکر می‌کنم آخرهای ماه بهمن آن سال بود. درست ۲۹ سال پیش. آن موقع من توله سگ کوچکی بودم. قرار بود مرا اعدام کنند چون پای چند نفر را گاز گرفته بودم و همه آن‌ها از مرض هاری مرده بودند. آخر حق هست که کسی را برای مرض هاری بگیرند و بکشند؟ تو آمدی و مرا نجات دادی. مرا به خانه‌ات آوردی. به من پناه دادی. به من نان و غذا دادی. اول کار چقدر به تو وفادار بودم. همیشه با تو همه جا می‌آمدم. از تو دفاع می‌کردم. به خاطر تو پای دوبست سیصد نفر را کشتن وقت مرا خراندی. تو هیچ وقت مرا، آنجا گاز گرفتم و برای سه چهار هزار نفر پارس کردم و آن‌ها را ترساندم.

اول‌ها با من رابطه‌ات خوب بود. مرا می‌شستی، دوا می‌زدی که ساس و کک‌هایم کشته شوند. برایم جلیقه خریدی که در زمستان سرما نخورم. برایم متکا خریدی که جلوی شومینه دراز بکشم و اخبار «بی بی سی» و «سی ان ان» درباره سگ‌های دیگر را تماشا کنم. نمی‌دانم چطور شد که رفتار و اخلاقت عوض شد. فکر می‌کنم وقتی که اون گربه اکبیری بدجنس را به خانه آوردی همه چیز شروع شد. با آن که همیشه می‌گفتی گربه نجس است و سگ دست‌آموز تمیز، ولی مرا به توصیه دوستانت به حیاط پشت خانه فرستادی که در گرما و سرمای بیرون زجر بکشم و غصه بخورم. کمی بعد، چون از روی غریزه طبیعی رابطه‌ای عاشقانه با سگ همسایه ایجاد کردم مرا به شلاق کشیدی و سه ماه به من استخوان ندادی. وقتی که با گربه‌ات در داخل خانه گرم و نرم حال می‌کردی یواشکی کارتون تام و جری با هم تماشا می‌کردید من از حسادت داشتم دیوانه می‌شدم. بعد می‌آمدی بیرون و برای من توپ می‌انداختی که دنبالش بدوم تا جلوی رفقایت پز بدهی که سگ دست‌آموز و وفادار داری. هیچ وقت یادم نمی‌رود آن روزی که برایم یک تکه چوب پرت کردی که من بدوم و برایت بیاورم ولی ادای پرت کردن چوب را درآوردی و من احمق و نادان سرم به حصار پشت خانه خورد و دماغم شکست. آن روز را فراموش نمی‌کنم. دوم خرداد بود ولی سالش اصلا برایم مهم نیست. وقتی که از سگ همسایه حامله شدم مرا به مشت و لگد بستی و توله سگ‌هایم را به جاهای دور فرستادی. سال‌هاست از آن‌ها خبری ندارم و حتی یک واق واق هم از سگ‌های دیگر همسایه از نشنیده‌ام.

سه بار از اداره‌ات اضافه حقوق گرفته‌ای ولی حتی یک بار هم مرا برای معاینه به نزد یک دامپزشک نبرده‌ای. تمام بدنم پر از ساس و کک شده و آن قدر خودم را خاراندم که بدنم کبود و قرمز شده است. صحبت از خاراندن شد یادم افتاد که مرا در بغل می‌گرفتی و جلوی تلویزیون سرم و گوش‌هایم را می‌خاراندی. این کار را از روی عشق و محبت نکردی و می‌دانم از روی عادت و برای که می‌خارید، نخاراندی! همیشه حسرت خارش به دلم مانده بود.

در پایان نامه ضمن این که از تو به خاطر نجات جانم قدردانی می‌کنم ولی دیگر نمی‌توانم وجود تو را به‌عنوان یک صاحب و ارباب قبول کنم. امشب با یک سگ گردن کلفت آمریکایی که با صاحبش تازه به خانه مجاور نقل مکان کرده قرار گذاشته‌ایم که با هم فرار کنیم. با خودم آلبوم عکس سال‌های اول آشنایی‌مان را بردم تا با او در طول ماه عسل خودمان تماشا کنیم و به یاد قدیم‌ها و قول و وعده‌های تو باشم. من نمی‌خواهم در داخل خانه کوچک و غم‌انگیز و تاریک تو همه روز بمانم تا تو به خانه برگردی. می‌خواهم مانند سگ‌های دیگر و تایر اتومبیل‌هایی را که از کوچه رد می‌شوند گاز بگیرم. می‌خواهم آزاد باشم و به دنبال توپ و چوب تو ندوم. خداحافظ و از بوی شدید ادرار توی قالی زیبای ایرانی‌ات خیلی متاسفم! نتوانستم احساساتم را کنترل کنم!

شوخی عکسی

آموختن انگلیسی حق مسلم ماست!

پوزش

در این شماره به علت کثرت مطالب نتوانستیم بخش انگولک به جراید و یا شوخی با مطبوعات را درج کنیم. البته تعطیلی نوروزی در ایران و این که «کیهان» تهران یک هفته به علت این تعطیلات منتشر نشده بود هم کمی در این روی چمن‌های سبز جلوی خانه جست و خیز کنم مورد موثر بود!

نان و کباب
Bread & Kabob Restaurant
رستوران

برای نوش جان کردن خوشمزه‌ترین چلوکباب سلطانی (با گوشت گاو یا گوسفند)، چلوکباب کوبیده، جوجه‌کباب سلطانی، چلومرغ، کباب ماهی و کباب سبزیجات (غیرگوشتی) سری به «نان و کباب» بزنید

رستوران معروف و قدیمی «نان و کباب» در فالس چرچ، ویرجینیا، پس از انجام تعمیرات، تغییرات و تزئینات اساسی، با متنوع‌ترین غذاهای خوشمزه ایرانی در خدمت هموطنان گرامی است

کله پاچه، دیزی، دل و جگر گوسفند و نان داغ تنوری هر روز در رستوران «نان و کباب» موجود است

همراه با «غذای مخصوص روز» که در هر روز هفته شامل یک نوع خورش سنتی و خوشمزه ایرانی است

تهیه انواع خوراک مورد علاقه خود برای پذیرائی در مهمانی‌ها، جشن‌ها و مراسم عروسی را به ما بسپارید و رضایت خاطر داشته باشید

از طریق تلفن یا ارسال فکس غذای خود را سفارش دهید، ما بلافاصله آن را در محل کار یا خانه شما (تا فاصله سه مایلی رستوران) تحویل می‌دهیم

رستوران «نان و کباب» از ۱۱ صبح تا ۱۱ شب برای سرو ناهار و شام باز است

3407-B Payne Street, Falls Church, VA 22041
Tel: 703.845.2900 Fax: 703.845.2901